



(۷)

## «فابل» در ادبیات فارسی

در پایان قسمت ششم این گفتار، از نوید آقای مجتبی مینوی صحبت داشتیم مبنی بر اینکه در آینده نزدیکی تعلیقات مفصل و مقدمه‌ای مشروح همراه با متن قطعی «کلیله و دمنه» حاضر و منتشر میسازند. با نهایت مسرت اطلاع حاصل گردید که این متن جدید، اخیراً در تهران انتشار یافته است و لی بدبختانه هنوز بدست راقم این سطور نرسیده است تا مورد استفاده قرار گیرد و خوانندگان را از مطالب و نکات آن برخوردار سازد اما وعده می‌دهیم که فراموش نخواهد گردید و در قسمت‌های دیگر مقاله بتفصیل از آن سخن خواهیم راند.

اینک دنباله مطلب را آورده و با صرف نظر از مطالب و نکات مفیدی که مقاله را بصورت کتابی در خواهد آورد می‌گوئیم که «کلیله و دمنه» در فرنگستان مورد تحقیقات بسیار دقیق و دامنه‌دار واقع گردیده است و میتوان احتمال داد که در آینده هم باز مقالات و رساله‌ها و کتابهای تازه‌ای در باره چنین کتاب‌گرا نقدی انتشار خواهد یافت.

ابوالمعالی نصراله منشی که «کلیله و دمنه» را در حدود سالهای ۵۳۸ تا ۵۴۰ هجری انشاء نموده است درباره این کتاب چنین اظهار نظر نموده است: «پس از کتاب شرعی، در مدت عمر عالم از آن پرفایده‌تر کتابی نگردیده‌اند»

و باز فرموده: «بحقیقت کان خرد و حصافت و گنج تجربت و ممارست است».

و نیز بدانیم که: انوشیروان آنرا در خزاین خویش موهبتی عزیز و ذخیرتی نفیس شمرد و تا آخر ایام یزد جهر شهریار که آخر ملوک عجم بود بر این قرار بماند.

---

❖ آقای استاد سید محمدعلی جمالزاده. از نویسندگان دانشمند و صاحب نظر معاصر

و باز میدانیم که بقول آقای دکتر محمدجعفر محبوب «بعضی از محققان کتاب «پنجما قاترا» را منشاء اصلی قصه و افسانه در دنیا میدانند».

پس بهمین سبب است که می بینیم کتاب «کليلة و دمنه» بآن همه زبانها و حتی بزبانهای مالزی و مغولی و حبشی و مالایائی و مادودائی و زبانهای دیگری بترجمه رسیده و حتی يك شاعر جاوهای آنرا بنظم نیز در آورده است.

### فابل هندی و فابل یونانی :

در صفحات پیش از اذوپ فابل ساز قدیم یونانی، سخن رانندیم و گفتیم که هنوز هم بعضی از ارباب تحقیق درست نمیدانند که آیا در کار فابل سازی تقدم باهنديهاست یا با یونانیان و نظر دانشمندان باصلاحیت فرنگستان را بعرض رسانیدم که رویهمرفته امروز معتقدند که تقدم با یونانیان است. اما برای آنکه بتوان جواب قطعی و یقین باین سوال داد باید باز منتظر بود تا تحقیقات و مطالعات عمیق تری بعمل آید و حقایق تازه ای مکشوف گردد.

آنچه امروز قابل قبول است این است که ریشه فابل در تاریکی شب یلدای تاریخ در پس پرده است و شاید رفته رفته (آن هم وجب بوجب و مثال بمثال) از پس پرده بیرون آید. ولی تردیدی نیست که اولاد آدم در هر جا و در هر زمانی که قدم بمرحله تکلم و تهاهم و اساس نهاد با ساختن و پردازختن فابل که خود نوعی از قصه و حکایت و تمثیل و افسانه است آشنائی و سروکار پیدا کرد و قصه گفتن و حکایت ساختن امری است که دست طبیعت در نهاد آدمیان نهاده است. چیزی که هست آنچه امروز باقی مانده و موجود است تعلق بزمانی دارد که آدمیان با کتابت آشنائی پیدا کرده بودند و نوشته شده بوده است و محفوظ مانده است.

در همین اواخر کتابی انتشار یافته است بقلم باستان شناس دانمارکی جنوژری بی بی که «دیلمون، کشف قدیمترین تمدن» عنوان دارد<sup>۳</sup>. در این کتاب صحبت از کشفیاتی است که در بحرین بعمل آمده است و حکایت از تمدنی بسیار قدیم میکند. کتاب نامبرده از لوحه بزرگی سخن میراند که در سومر قدیم بدست آمده است و در آنجا از سرزمین دیلمون صحبت بیان آمده است. از قرار معلوم متن لوحه منظوم است و «انکی و ننهو دژاگد» (نام دو الهه) عنوان دارد و در ضمن داستان روباهی را می بینیم که کارهای عمده (مانند کارهای کليلة و دمنه) انجام میدهد<sup>۴</sup>.

دانشمند آلمانی بنفی<sup>۵</sup> که درباره فابل تحقیقات دامنه دار دارد معتقد است که فابل در خاک هندوستان، تنها از قرن دوم قبل از میلاد، بصورت مکتوب بوجود آمده است ولی محققین دیگر از قرن چهارم قبل از میلاد هم سخنانی رانده اند و در تأیید نظر خود میگویند که حتی از سلو (۳۸۴-۳۲۲ قبل از میلاد) هم در آثار خود از فابلهای هندی صحبت داشته است.

در هر حال، در زبان یونانی فابلهایی بدست آمده است که از قرن هفتم و بلکه هشتم قبل از

میلاد باقی مانده است و از طرف دیگر گاهی بعضی از فابل‌های قدیم یونانی و هندی با هم شباهتهایی دارند [مثلاً فابل «خری که در پوست پلنگ در آمد» در کتاب هندی «پنجاتا نترا» که اساس «کلبله و دمنه» است و تا جایی که امروز بر ما معلوم است قدیمترین مجموعه فابل‌های هندی بشمار می‌آید، و فابل «خری که ادعای شیری کرد»]

در فابل‌های یونانی ازوپ، مؤلف «پنجاتا نترا» را برهمنی بنام ویشنوچرمان<sup>۶</sup> میدانند و معتقدند که دو قرن قبل از میلاد مسیح تألیف یافته و در قرن پنجم میلادی بصورت کتاب نهایی و مجموعه درآمده است و در حال متن اصلی آن از میان رفته است و واقعاً جای افسوس است، همچنانکه متن پهلوی «کلبله و دمنه» و ترجمه فارسی منظوم رودکی هم از «کلبله و دمنه» از میان رفته است و آیا جاندارد که بگوئیم: هوالباقی و کل شی هالك.

امروزه می‌توانیم که «پنجاتا نترا» (که «پنج کتاب» یا «پنج باب» معنی میدهد) بمرور ایام و در طی زمان و سیر دوران بصورت‌های گوناگون در آمد و از هند به چین رفت و از آنجا با فتوحات قوم مغول بجانب مغرب آمد (یعنی ایران و ممالک غربی ایران) و در اواخر قرون وسطی بوسیله عربها و یهودیها به فرنگستان رسید و در سال ۱۲۷۰ میلادی یک نفر دانشمند یهودی بنام ژان دوکاپو<sup>۷</sup> آن کتاب را از زبان عبری بزبان لاتینی ترجمه کرد و از آن پس، رفته رفته، بزبانهای بسیار دیگری هم بترجمه رسید و از آن جمله در سال ۱۶۴۴ میلادی ژیلبرگولمان<sup>۸</sup> از روی متن فارسی «کلبله و دمنه» اولین بار قسمتی از آنرا بزبان فرانسه در آورد و منتشر ساخت با عنوان: کتاب روشنائی. «پنجاتا نترا» چنانکه از عنوان آن بر می‌آید مشتمل بر پنج باب بوده است با عناوین ذیل:

- ۱- جدائی از دوستان
- ۲- بدست آوردن دوستان
- ۳- جنگ کلاغها با جفنها
- ۴- از دست دادن مال و منال (جیفه دنیائی)
- ۵- رفتار و کردار ناهنجار.

در مقدمه کتاب آمده است که پادشاهی سه پسر کودن داشت و چون از تربیت آنها مأیوس گردید، پس از مشورت با مشاورین خود، فرزندان را به برهمنی ویشنوچرمان نام سپرد تا آنها را دانش و تربیت بیاموزد و برهن بدین منظور کتابی تنظیم کرد که مجموعه‌ای از قصه‌ها و فابل‌های اخلاقی بود تا هم شاهزادگان را سرگرم بسازد و هم اصول و قواعد سلطنت را بآنها بیاموزد و از اینرو آن کتاب در هندوستان رفته رفته جنبه سیاسی (بزبان هندی «نیلی ژاستراس») پیدا کرد.

این کتاب مانند «کلبله و دمنه» (و بعدها «مثنوی» مولانای روم و هکذا «هزار و یک شب») دارای حکایت‌هایی است و هر حکایتی حکم تنه درختی را دارد که از آن شاخه‌ها می‌روید و گاهی اسباب اشتیاق فکر و حواس خواننده را فراهم می‌سازد (بخصوص اگر خواننده از اهالی مغرب زمین باشد) از طرف دیگر بعضی از محققین فرنگی معتقدند که پاره‌ای از قصه‌ها و فابل‌ها با اصول اخلاقی امروز دنیا سازگاری کافی ندارد چنانکه مثلاً در کارها مکر و تزویر و حيله را گاهی جایز می‌شمارد

و برای نیل بمقصود بعضی کارهایی را که ما امروز نا روا میدانیم روا میداند و تا اندازه‌ای برطبق اصول فلسفه «نفع پرستی» («اوتی لی تماریس» و تا اندازه کمتری «پراگماتیسم» عملی) عمل میکند و این همان ایرادی است که ما ببعضی از بزرگان ادب و شعرای خودمان هم میتوانیم وارد بسازیم و الحق که وارد هم هست.

ژنو

### پی نوشت‌ها

- ۱ - بیدپای، ترجمه کللیله و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران (۱۳۵۱) (انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۹۵۲، هدیه دکتر یحیی مهدوی، به دانشگاه، شماره ۱۷).
- ۲ - دارای خردمندی، استوارگردیدن.
- ۳ - ترجمه فرانسوی کتاب،  
Geoffrey bibby : « Dilmoun, la découvert de la plus ancienne civilisation »  
calmann-lévy, Paris 1972.  
عنوان اصلی کتاب بزبان انگلیسی است: Looking for dilmun
- ۴ - راقم این سطور خیال دارد مقاله‌ای درباره این کتاب تهیه نماید. نکته قابل توجه آنکه در طی لوحه نامبرده این جمله دیده شد (در صفحه ۸۶)، «گرگ بره را نمیکرد» که همان مضمونی است که در ادبیات فارسی بسیار آمده است و معلوم شد مانند بسیاری از چیزهای دیگر قدمت تاریخی دارد.
- ۵ - Th. Benefy (۱۸۰۹-۱۸۸۱ میلادی) که آثار متعددی درباره ادبیات هند دارد و «پنج تانتر» را از زبان سانسکریت بزبان آلمانی ترجمه کرده است (در دو جلد در سال ۱۸۵۲ میلادی).
- ۶ - Vichnouoarman .
- ۷ - Jean de capuae که «پنج تانتر» را از زبان عبری در تحت عنوان،  
Directorium humanoevita (دستور زندگانی انسانی) بزبان لاتینی ترجمه کرده است.
- ۸ - Livre de lumière Gilbert Gaulmin



(۷)

## «فابل» در ادبیات فارسی

در پایان قسمت ششم این گفتار، از نوید آقای مجتبی مینوی صحبت داشتیم مبنی بر اینکه در آینده نزدیکی تعلیقات مفصل و مقدمه‌ای مشروح همراه با متن قطعی «کلیله و دمنه» حاضر و منتشر می‌سازند. با نهایت مسرت اطلاع حاصل گردید که این متن جدید، اخیراً در تهران انتشار یافته است و لی بدبختانه هنوز بدست راقم این سطور نرسیده است تا مورد استفاده قرار گیرد و خوانندگان را از مطالب و نکات آن برخوردار سازد اما وعده می‌دهیم که فراموش نخواهد گردید و در قسمت‌های دیگر مقاله بتفصیل از آن سخن خواهیم راند.

اینک دنباله مطلب را آورده و با صرف نظر از مطالب و نکات مفیدی که مقاله را بصورت کتابی در خواهد آورد می‌گوئیم که «کلیله و دمنه» در فرنگستان مورد تحقیقات بسیار دقیق و دامنه‌دار واقع گردیده است و میتوان احتمال داد که در آینده هم باز مقالات و رساله‌ها و کتابهای تازه‌ای در باره چنین کتاب گرانقدری انتشار خواهد یافت.

ابوالمعالی نصراله منشی که «کلیله و دمنه» را در حدود سالهای ۵۳۸ تا ۵۴۰ هجری انشاء نموده است درباره این کتاب چنین اظهار نظر نموده است: «پس از کتاب شرعی، در مدت عمر عالم از آن پرفایده‌تر کتابی نگردیده‌اند»

و باز فرموده: «بحقیقت کان خرد و حصافت<sup>۲</sup> و گنج تجربت و ممارست است».

و نیز بدانیم که: انوشیروان آنرا در خزاین خویش موهبتی عزیز و ذخیرتی نفیس شمرد و تا آخر ایام یزد جهر شهریار که آخر ملوک عجم بود بر این قرار بماند.

---

❖ آقای استاد سید محمدعلی جمالزاده. از نویسندگان دانشمند و صاحب نظر معاصر

و باز میدانیم که بقول آقای دکتر محمدجعفر محبوب «بعضی از محققان کتاب «پنجما قاترا» را منشاء اصلی قصه و افسانه در دنیا میدانند».

پس بهمین سبب است که می بینیم کتاب «کليلة و دمنه» بآن همه زبانها و حتی بزبانهای مالزی و مغولی و حبشی و مالایائی و مادودائی و زبانهای دیگری بترجمه رسیده و حتی يك شاعر جاوای آنرا بنظم نیز در آورده است.

### فابل هندی و فابل یونانی :

در صفحات پیش از اذوپ فابل ساز قدیم یونانی، سخن رانندیم و گفتیم که هنوز هم بعضی از ارباب تحقیق درست نمیدانند که آیا در کار فابل سازی تقدم باهنديهاست یا با یونانیان و نظر دانشمندان باصلاحیت فرنگستان را بعرض رسانیدم که رویهمرفته امروز معتقدند که تقدم با یونانیان است. اما برای آنکه بتوان جواب قطعی و یقین باین سوال داد باید باز منتظر بود تا تحقیقات و مطالعات عمیق تری بعمل آید و حقایق تازه ای مکشوف گردد.

آنچه امروز قابل قبول است این است که ریشه فابل در تاریکی شب یلدای تاریخ در پس پرده است و شاید رفته رفته (آن هم وجب بوجوب و مثال بمثال) از پس پرده بیرون آید. ولی تردیدی نیست که اولاد آدم در هر جا و در هر زمانی که قدم بمرحله تکلم و تهاهم و اساس نهاد با ساختن و پردازختن فابل که خود نوعی از قصه و حکایت و تمثیل و افسانه است آشنائی و سروکار پیدا کرد و قصه گفتن و حکایت ساختن امری است که دست طبیعت در نهاد آدمیان نهاده است. چیزی که هست آنچه امروز باقی مانده و موجود است تعلق بزمانی دارد که آدمیان با کتابت آشنائی پیدا کرده بودند و نوشته شده بوده است و محفوظ مانده است.

در همین اواخر کتابی انتشار یافته است بقلم باستانشناس دانمارکی جنوژری بی بی که «دیلمون، کشف قدیمترین تمدن» عنوان دارد<sup>۳</sup>. در این کتاب صحبت از کشفیاتی است که در بحرین بعمل آمده است و حکایت از تمدنی بسیار قدیم میکند. کتاب نامبرده از لوحه بزرگی سخن میراند که در سومر قدیم بدست آمده است و در آنجا از سرزمین دیلمون صحبت بیان آمده است. از قرار معلوم متن لوحه منظوم است و «انکی و ننهو دژاگد» (نام دو الهه) عنوان دارد و در ضمن داستان روباهی را می بینیم که کارهای عمده (مانند کارهای کليلة و دمنه) انجام میدهد<sup>۴</sup>.

دانشمند آلمانی بنفی<sup>۵</sup> که درباره فابل تحقیقات دامنه دار دارد معتقد است که فابل در خاک هندوستان، تنها از قرن دوم قبل از میلاد، بصورت مکتوب بوجود آمده است ولی محققین دیگر از قرن چهارم قبل از میلاد هم سخنانی رانده اند و در تأیید نظر خود میگویند که حتی از سلو (۳۸۴-۳۲۲ قبل از میلاد) هم در آثار خود از فابلهای هندی صحبت داشته است.

در هر حال، در زبان یونانی فابلهایی بدست آمده است که از قرن هفتم و بلکه هشتم قبل از

میلاد باقی مانده است و از طرف دیگر گاهی بعضی از فابل‌های قدیم یونانی و هندی با هم شباهتهایی دارند [مثلاً فابل «خری که در پوست پلنگ در آمد» در کتاب هندی «پنجاتا نترا» که اساس «کلبله و دمنه» است و تا جایی که امروز بر ما معلوم است قدیمترین مجموعه فابل‌های هندی بشمار می‌آید، و فابل «خری که ادعای شیری کرد»]

در فابل‌های یونانی ازوپ، مؤلف «پنجاتا نترا» را برهمنی بنام ویشنوچرمان<sup>۶</sup> میدانند و معتقدند که دو قرن قبل از میلاد مسیح تألیف یافته و در قرن پنجم میلادی بصورت کتاب نهایی و مجموعه درآمده است و در حال متن اصلی آن از میان رفته است و واقعاً جای افسوس است، همچنانکه متن پهلوی «کلبله و دمنه» و ترجمه فارسی منظوم رودکی هم از «کلبله و دمنه» از میان رفته است و آیا چنان دارد که بگوئیم: هوالباقی و کل شی هالك.

امروزه همینقدر میدانیم که «پنجاتا نترا» (که «پنج کتاب» یا «پنج باب» معنی میدهد) بمرور ایام و در طی زمان و سیر دوران بصورت‌های گوناگون در آمد و از هند به چین رفت و از آنجا با فتوحات قوم مغول بجانب مغرب آمد (یعنی ایران و ممالک غربی ایران) و در اواخر قرون وسطی بوسیله عربها و یهودیها به فرنگستان رسید و در سال ۱۲۷۰ میلادی یک نفر دانشمند یهودی بنام ژان دوکاپو<sup>۷</sup> آن کتاب را از زبان عبری بزبان لاتینی ترجمه کرد و از آن پس، رفته رفته، بزبانهای بسیار دیگری هم بترجمه رسید و از آن جمله در سال ۱۶۴۴ میلادی ژیلبرگولمان<sup>۸</sup> از روی متن فارسی «کلبله و دمنه» اولین بار قسمتی از آنرا بزبان فرانسه در آورد و منتشر ساخت با عنوان: کتاب روشنائی. «پنجاتا نترا» چنانکه از عنوان آن برمیآید مشتمل بر پنج باب بوده است با عناوین ذیل:

- ۱- جدائی از دوستان
- ۲- بدست آوردن دوستان
- ۳- جنگ کلاغها با جفنها
- ۴- از دست دادن مال و منال (جیفه دنیائی)
- ۵- رفتار و کردار ناهنجار.

در مقدمه کتاب آمده است که پادشاهی سه پسر کودن داشت و چون از تربیت آنها مأیوس گردید، پس از مشورت با مشاورین خود، فرزندان را به برهمنی ویشنوچرمان نام سپرد تا آنها را دانش و تربیت بیاموزد و برهن بدین منظور کتابی تنظیم کرد که مجموعه‌ای از قصه‌ها و فابل‌های اخلاقی بود تا هم شاهزادگان را سرگرم بسازد و هم اصول و قواعد سلطنت را بآنها بیاموزد و از اینرو آن کتاب در هندوستان رفته رفته جنبه سیاسی (بزبان هندی «نیلی ژاستراس») پیدا کرد.

این کتاب مانند «کلبله و دمنه» (و بعدها «مثنوی» مولانای روم و هکذا «هزار و یک شب») دارای حکایت‌هایی است و هر حکایتی حکم تنه درختی را دارد که از آن شاخه‌ها می‌روید و گاهی اسباب اشتیاق فکر و حواس خواننده را فراهم می‌سازد (بخصوص اگر خواننده از اهالی مغرب زمین باشد) از طرف دیگر بعضی از محققین فرنگی معتقدند که پاره‌ای از قصه‌ها و فابل‌ها با اصول اخلاقی روزی دنیا سازگاری کافی ندارد چنانکه مثلاً در کارها مکر و تزویر و حيله را گاهی جایز می‌شمارد

و برای نیل بمقصود بعضی کارهایی را که ما امروز نا روا میدانیم روا میداند و تا اندازه‌ای برطبق اصول فلسفه «نفع پرستی» («اوتی لی تماریسیم» و تا اندازه کمتری «پراگماتیسیم» عملی) عمل میکند و این همان ایرادی است که ما ببعضی از بزرگان ادب و شعرای خودمان هم میتوانیم وارد بسازیم و الحق که وارد هم هست.

ژنو

### پی نوشت‌ها

- ۱ - بیدپای، ترجمه کللیله و دمنه، انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران (۱۳۵۱) (انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۹۵۲، هدیه دکتر یحیی مهدوی، به دانشگاه، شماره ۱۷).
- ۲ - دارای خردمندی، استوارگردیدن.
- ۳ - ترجمه فرانسوی کتاب،  
Geoffrey bibby : « Dilmoun, la découvert de la plus ancienne civilisation »  
calmann-lévy, Paris 1972.  
عنوان اصلی کتاب بزبان انگلیسی است: Looking for dilmun
- ۴ - راقم این سطور خیال دارد مقاله‌ای درباره این کتاب تهیه نماید. نکته قابل توجه آنکه در طی لوحه نامبرده این جمله دیده شد (در صفحه ۸۶)، «گرگ بره را نمیکرد» که همان مضمونی است که در ادبیات فارسی بسیار آمده است و معلوم شد مانند بسیاری از چیزهای دیگر قدمت تاریخی دارد.
- ۵ - Th. Benefy (۱۸۰۹-۱۸۸۱ میلادی) که آثار متعددی درباره ادبیات هند دارد و «پنج تانتر» را از زبان سانسکریت بزبان آلمانی ترجمه کرده است (در دو جلد در سال ۱۸۵۲ میلادی).
- ۶ - Vichnouoarman .
- ۷ - Jean de capuae که «پنج تانتر» را از زبان عبری در تحت عنوان،  
Directorium humanoevita (دستور زندگانی انسانی) بزبان لاتینی ترجمه کرده است.
- ۸ - Livre de lumière Gilbert Gaulmin